موسیقی در خدمت تکامل شعر

بررسی پیوند ساز و آواز با گفتار حافظ

رویداد

غلامرضا زوزنی| حافظ که ساز مجلس عشاق ساز کرد/ خالی مباد عرصه این بزمگاه از او. شعر یکی از مصنوعات ادبی است و هنگامی که در ظرف «زمان» جاری شود، هم جاودانه می‌شود و هم به حالت دیگری از مصنوعات هنری تبدیل می‌شود. شعر در دایره هنرهای فونتیک (هنرهایی که به قوه شنیداری ارتباط دارند) قرار می‌گیرد و صدا بر حیات آن تأثیر دارد. اشعار در قالب‌های متنوع اجرا می‌شوند که یکی از آن‌ها آواز است و آواز، همان محصولی است که اگر شعر نباشد پدید نمی‌آید. شاید شعر در کتاب‌ها و نوشته‌ها زنده بماند، اما آواز بدون شعر ابتر است. در واقع آواز به زمان ختم می‌شود و به کلام و کلمه. از سویی استاد محمدرضا شفیعی کدکنی گفته است: «همواره شاعران بزرگ، آگاه و ناآگاه، بزرگ‌ترین شیفتگان موسیقی بوده‌اند و شعر، خاستگاهی جز به موسیقی رساندن زبان ندارد». در اجرای یک بیت شعر و یا یک چندجمله‌واره به صورت آواز هرچه زمان بیشتری صرف شود ضرباهنگ (ریتم) کندتری خواهیم شنید و در مقابل هرچه زمان کمتری برای قرائت صرف شود، ضرباهنگ آن تندتر می‌شود. همه این تندوکندی‌ها که موجب طربناکی و محزونی آواز می‌شود به ساختار شعر بستگی دارد. در واقع این شاعر است که با سرودن اشعارش حس‌وحال خود را در آواز جاری می‌کند. شادروان دکتر تقی وحیدیان کامیار، پژوهشگر مشهدی، نیز در مقاله‌ای از یاری موسیقی به شعر سخن گفته و بیان کرده است که باید از آهنگ و موسیقی برای تکامل حسی شعر، یاری جست.

خواننده‌های فارسی‌زبان بسیاری در ایران و دیگر نقاط جهان هستند که در آثار خود از اشعار کهن ایرانی، به ویژه اشعار حافظ بهره برده‌اند که این بهره‌مندی هم باعث جاافتادن آوازشان شده و هم موجبات شهرت بیشتر بعضی از اشعار حافظ را فراهم آورده است.

علت‌های فراوانی برای استفاده خوانندگان از اشعار حافظ مطرح می‌شود که همه آن‌ها جای بحث و گفت‌وگو دارد اما نگره‌ای جدی وجود دارد مبنی بر اینکه احتمالا شعرهای حافظ در زمان خودش نیز بارها و بارها با لحن اجرا می‌شده‌است.به عبارتی دیگر برای استفاده همراه با موسیقی ارائه می‌شده است. این را می‌توان از بررسی اشعار حافظ و تأکید او بر روی کلمات و حتی حروف فهمید. از این بررسی برمی‌آید که تنوع ریتم در اشعار حافظ باعث تنوع در تصنیف‌ها و ترانه‌هایی می‌شود که بر پایه آن خوانده می‌شود: «به جهان خرّم از آنم که جهان خرّم از اوست». یا «دردم از یار است و درمان نیز هم».

حافظ با آوردن انواع جملات، چه در بافت محدود بیت و چه در کل غزل، طیف رنگارنگی از جملات را پیش روی خواننده خود می‌گشاید و در کشاکش موسیقایی حاصل از آن‌ها، تنوع چشمگیری را به لحاظ عاطفه و تخیل در برابر دیدگان مخاطب قرار می‌دهد.

در میان خوانندگان از جمله سرآمدانی که شعر حافظ را برای مخاطبان شعر و موسیقی فرآوری کرده‌اند، محمدرضا شجریان، شهرام ناظری، همایون شجریان، علیرضا عصار، محمد اصفهانی، سالار عقیلی و علیرضا قربانی را می‌توان نام برد. به گفته بسیاری از کارشناسان همه این خواننده‌ها به ترویج حافظ‌خوانی در جامعه ایرانی کمک کرده‌اند و اشعار متعددی از حافظ را بر سر زبان‌ها انداخته‌اند، مانند غزل مشهوری که با «الا یا ایها الساقی» آغاز می‌شود.

به همین ترتیب می‌توان گفت که قطعا هستند خوانندگانی که نه نام بزرگی و نه توانایی قرائت درستی از اشعار حافظ دارند. ناآشنا بودن این دسته معدود از خواننده‌ها با اوزان اشعاری که از حافظ می‌خوانند و نیز دستگاه‌های موسیقی، باعث می‌شود آثارشان در اذهان ناماندگار شود.

منابع: فرهنگ فارسی معین، کتاب «موسیقی شعر»، محمدرضا شفیعی کدکنی (۱۳۸۱)؛ کتاب «نوای گفتار در فارسی»، تقی وحیدیان کامیار (۱۳۷۹)؛ مقاله پژوهشی «موسیقی شعر و انواع جملات در غزلیّات حافظ»، معصومه امیرخانلو (۱۳۹۶)

هم‌اندیشی دینی سیاسی

هم‌اندیشی دینی سیاسی

دانشجویان کمیته دکتری انجمن علوم سیاسی ایران که در خراسان مشغول علم‌اندوزی هستند، قرار است گردهم جمع شوند و درباره «جایگاه نواندیشی دینی در سپهر سیاسی ایران پس از انقلاب» گپ‌وگفت کنند. در این هم‌اندیشی، دکتر علی اصغر داوودی، استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد مشهد، و دکتر مهدی نجف‌زاده، دانشیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، به بیان نقطه نظرات خود خواهند پرداخت. علاقه‌مندان به حضور در این برنامه می‌توانند فردا دوشنبه، ۳۰ مهرماه، از ساعت ۱۲ تا ۱۴ در محل آمفی‌تئاتر دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی حضور یابند.

شعری با معنای زندگی

محفل «وقت شعر» هر دوشنبه چشم‌انتظار شاعران و اهالی ادبیات مشهد است تا در یک نشست صمیمانه جرعه‌ای از شیرینی شعر را به مخاطبان بچشانند. این گردهمایی ادبی، امروز ۳۰ مهرماه با موضوع ارتباط شعر با معنای زندگی برگزار می‌شود و دکتر علیرضا مازاریان (دکتری فلسفه ذهن) در این‌باره سخنرانی خواهد کرد. دوستداران شعر می‌توانند ساعت ۱۷ به فرهنگ‌سرای بهشت واقع در بولوار شهید مدرس مراجعه کنند.

تمدید مهلت ارسال آثار به جشنواره کتاب و رسانه

مهلت ارسال آثار به هفدهمین جشنواره کتاب و رسانه تا ۴ آبان‌ماه تمدید شد. بر اساس فراخوان اعلام شده از سوی دبیرخانه این جشنواره، رسانه‌های نوشتاری (مطبوعات کاغذی، خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری رسمی)، رسانه‌های دیداری و شنیداری (تلویزیون و رادیو)، عکس و نیز تولید محتوا در صفحه‌های تخصصی شبکه‌های مجازی، بخش‌های مختلف این جشنواره هستند.

متقاضیان شرکت در جشنواره تا پایان وقت اداری، چهارم آبان‌ماه فرصت دارند با مراجعه به پایگاه اینترنتی جشنواره کتاب و رسانه به نشانی اینترنتی resaneh.ketab.ir آثار خود را در قالب‌های اعلام شده برای هر بخش، ارائه، و با تکمیل فرم مربوط در جشنواره شرکت کنند.

طلوع «خورشید کاروان» در فرهنگ‌سرای غدیر

نمایش «خورشید کاروان» با حمایت سازمان فرهنگی‌اجتماعی شهرداری مشهد و هنرنمایی بیش از ۵۰بازیگر تئاتر مشهد به روی صحنه می‌رود. به گزارش ایسنا، این نمایش به‌نویسندگی مهدی متوسلی، کاری مشترک از علی آزادنیا و اصغر لشکری است که اواخر مهر ۹۷ در آمفی‌تئاتر فرهنگ‌سرای غدیر به روی صحنه می‌رود و تا ۵آبان، هر روز ساعت ۱۹ ادامه دارد.در این نمایش، علی سوزن‌چی، علیرضا بایزان‌منش، امیر محاسبتی، حسین مقدم، محرم نجف‌زاده، عباس نکویی و پوریا علیدادی، نقش ایفا می‌کنند.

حسین انتظامی رئیس سازمان سینمایی می‌شود

حسین انتظامی، فعال رسانه‌ای مشهدی، به‌عنوان رئیس سازمان سینمایی انتخاب شده است و به‌زودی از سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، حکم دریافت می‌کند.به گزارش فارس، حسین انتظامی دارای دکتری مدیریت استراتژیک است. او دی‌ماه سال گذشته با حکم وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به سمت دستیار ارشد وی منصوب شد. او پیش از این انتصاب، به مدت چهار سال(از سال ۹۲ تا ۹۶) عهده‌دار معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد بود.

«سوشا»؛ روی صحنه تماشاخانه بهار

نمایش «سوشا»، برگرفته از «کافکا در کرانه موراکامی»، به‌نویسندگی و کارگردانی آرزو شیخی، مهر و آبان ۹۷ در سالن بهار مجتمع امام‌رضا(ع) به روی صحنه خواهد رفت. در این نمایش، بازیگرانی چون علیرضا روان‌دل، محمدرضا صولتی، سپیده کلالی، پریا هروی، امیرحسین رحیمی و مژگان شریفیان نقش بازی می‌کنند.

نگاه بومی به فراورده‌های ادبی

جواد اسحاقیان، منتقد ادبی، از مشکلات نقدنویسی بر ادبیات داستانی در ایران می‌گوید

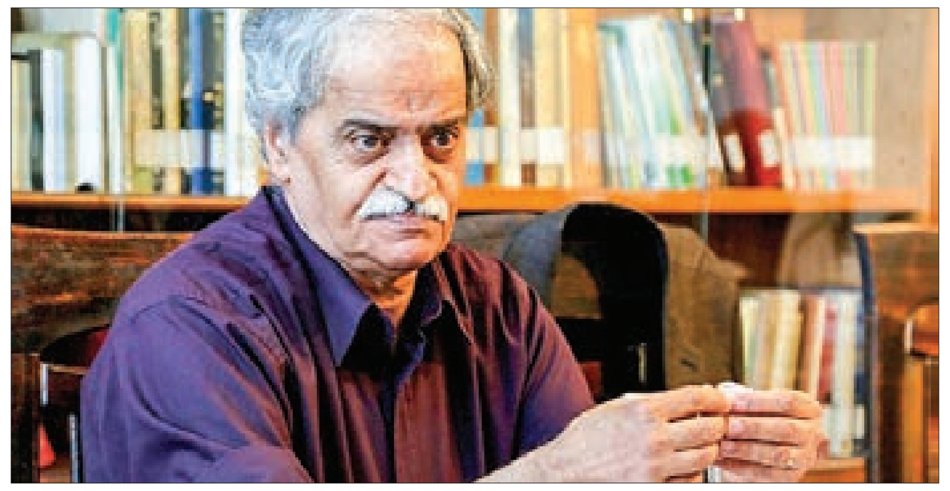

گفت‌وگو

فاطمه خلخالی استاد| نشست‌های نقد داستان و فضای مطبوعات و شبکه‌های مجازی، امروز از گفته‌ها و نوشته‌های زیادی با عنوان «نقد داستان» و «نقد کتاب» و «نقد ادبی» پُر است، متن‌هایی که بیشتر بازخوانی و تعریف چکیده داستان هستند تا نقد. درحقیقت با مبانی نقد به معنای علمی‌اش فرسنگ‌ها فاصله دارند.

مواجهه این‌چنینی با ادبیات داستانی که غالبا با سلیقه فردی درآمیخته است، تا زمانی که بر آن نام نقد نگذاشته‌ایم مشکلی ایجاد نمی‌کند؛ اما مسئله زمانی به‌وجود می‌آید که خوانش‌هایی مبتنی بر ذهنیت و ایدئولوژی شخصی، با نام نقد ادبی به مخاطبان عرضه می‌شود و معیاری برای خوب یا بد بودن اثر قرار می‌گیرد.

یکی از علت‌های این امر، کم‌بودن منتقدان ادبی چیره و مسلط به تئوری‌های نقد در ایران است. جواد اسحاقیان، نویسنده و منتقد ادبی سبزواری ساکن مشهد، از نمونه منتقدانی است که کوشیده است در نقد ادبی از سلیقه فردی دوری گزیند و از روش‌ها و نظریه‌های علمی در این حوزه استفاده کند.

او متولد ۱۳۲۷ و دانش‌آموخته رشته زبان و ادبیات فارسی در مقطع کارشناسی از دانشگاه مشهد و کارشناسی ارشد از پژوهشکده فرهنگ ایران در تهران است. از این مدرس دانشگاه تاکنون ۱۵ اثر منتشر شده است که بخش قابل توجه آن در حوزه نقد ادبیات داستانی بوده است. از این نمونه می‌توان به «کلیدر، رمان حماسه و عشق»، «درنگی بر سرگردانی‌های شهرزاد پسامدرن: سیمین دانشور» و «سایه‌های روشن در داستان‌های جلال آل احمد» اشاره کرد.

افزون بر این طی سال‌های اخیر از این نویسنده ۴ جلد کتاب با عنوان داستان شناخت ایران در نشر آگاه به چاپ رسیده است که به نقد و بررسی آثار سیمین دانشور، محمدعلی جمالزاده، احمد محمود و جلال آل‌احمد پرداخته است. با این صاحب‌نظر حوزه نقد درباره بایدها و نبایدهای نقد ادبی گفت‌وگو کردیم.

ما داستان‌نویسی جدید (داستان کوتاه و رمان) را از غرب وام گرفته‌ایم و کارمان تا حد زیادی تقلید تکرار سبک‌های داستان‌نویسی غربی بوده است، در حوزه نقد نیز باز دنباله‌رو بوده‌ایم. به نظر شما آیا می‌توانیم به اصالت انتقادی برسیم یا اینکه نقد علمی ثابت است و باید در همه جای دنیا یکسان باشد؟

البته ما سنت داستان‌نویسی را از غرب وام نگرفته‌ایم. اثری مانند هزارویک‌شب در اصل، مجموعه حکایاتی بوده با عنوان هزار افسان در دوره ساسانیان و حتی پیشتر از آن، در روزگار اشکانیان وجود داشته است؛ درواقع آمیزه‌ای از حکایات ایرانی و هندی بوده که پس از اسلام، رنگ و بوی عربی-اسلامی گرفته است، با داستان‌های یونانی، یهودی، مصری و غیره تلفیق یافته و در دوره قاجاریه عبداللطیف تسوجی تبریزی آن را از عربی به فارسی برگردانده است. ویس و رامین در اصل ریشه‌ای اشکانی دارد. آثاری مانند یادگار زریران، ارداویرافنامه و منظومه درخت آسوریک و شاهنامه فردوسی در اصل به زبان پهلوی و متعلق به روزگار ساسانیان است. پنج گنج از نظامی و حکایات گلستان و بوستان و مثنوی معنوی و هفت‌اورنگ و صدها اثر دیگر، میراث ملی و سترگ ادبیات فارسی و ایرانی است. اما داستان کوتاه و رمان به عنوان نوع ادبی میراث ادبیات غرب است و ریشه در طبقه متوسط شهری‌ای دارد که در اروپا به وجود آمده است؛ یعنی قاره‌ای که صنعت چاپ در آن رواج یافته، سواد عمومی بالا رفته و مطالبات تازه‌ای میان شهرنشینان مطرح شده که مبین علایق طبقه بورژوازی و روشنفکران و قشر روزنامه‌خوان و کتاب‌خوان بوده است. نقد ادبی هم همین‌طور است، تنها میراث سنت فرهنگی غرب نبوده است و ما در عصر مشروطیت -که عصر روشنگری ما است- منتقدانی چون طالبوف، آخوندزاده، آقاخان کرمانی و ملکم‌خان داشته‌ایم که البته همگی متأثر از اندیشه‌های عصر روشنگری اروپا بوده‌اند. نقد و نظریه ادبی و انتقادی در جامعه و کشوری به وجود می‌آید که زمینه‌های بروزش در آن وجود داشته باشد. درواقع نقد جامعه‌شناسی و روان‌شناختی و هرمنوتیک فلسفی در کشورهایی شکل می‌گیرد که این علوم را پی‌ریزی کرده‌اند. نقد ادبی به معنی دقیق اصطلاح هم، فرآورده غرب است و نظریه‌های ادبی، حاصل جمع علوم اجتماعی و انسانی و تجربی است که مورد قبول همه جهانیان است.

> در غرب دانشگاه‌ها به نقد و نظریه ادبی و انتقادی به عنوان بخشی از علوم انسانی نگاه می‌کنند و بیشتر کتاب‌ها در این زمینه دانشگاهی‌اند

منابع مهمی که ما در حوزه تئوری‌های نقد داستان داریم، غالبا ترجمه است. آیا ترجمه‌ها با نیازهای ادبی ما مطابقت دارد؟ چقدر در این آثار، معادل‌سازی درستی برای مفاهیم جدید نقد صورت گرفته است؟

با آنکه ترجمه‌های موجود در زمینه تئوری‌های ادبی نارسایی‌هایی دارد، در جمع‌بندی نهایی برای فردی که به راستی بخواهد با این نظریه‌ها آشنا شود و بر پایه آن‌ها به خوانش علمی بپردازد، آثار ارزشمندی در اختیار داریم. اما متأسفانه من کمتر شوق و شوری در دانشجویان و کارآموزان نظریه ادبی یافته‌ام.

جامعه دانشگاهی ما منتقد ادبی پرورش نمی‌دهد، مبانی تئوری نقد در جامعه دانشگاهی به‌روز نیست و همان اندک منتقدان ادبی موجود از حوزه‌های تجربی برخاسته‌اند. در غرب چطور؟ آیا منتقدان ادبی غربی تحصیلات آکادمیک دارند؟

نظریه انتقادی در جامعه باز تولید می‌شود. دانشگاه‌های ما دولتی‌اند و ما بخش خصوصی در حوزه فرهنگ و علم و ادب نداریم. پس طبعا نمی‌توانیم نقد و نظریه ادبی معاصر غیردولتی داشته باشیم، بنابراین همان منتقدانی باقی می‌مانند که کاملا وابسته به دولت نیستند و آزادانه‌تر می‌اندیشند. در غرب دانشگاه‌ها به نقد و نظریه ادبی و انتقادی به عنوان بخشی از علوم انسانی نگاه می‌کنند و بیشتر کتاب‌ها در این زمینه از جمله انتشارات دانشگاهی‌اند. بارت می‌گوید ایامی که من در کلژ دو فرانس نقد ادبی و هرمنوتیک درس می‌دادم، بهترین دوران تدریس من بوده است. اکثریت قریب به اتفاق منتقدان و استادان در این رشته، تحصیلات عالی آکادمیک دارند و آثارشان با نشانی University Press انتشار می‌یابد.

به نظر شما نقد ادبی واقعی باید صددرصد بر مبنای دانش و نظریه باشد و هیچ ملاحضه‌ای را نباید برایش درنظر گرفت؟ مثلا جامعه نویسنده یا پیشینه یا زمان خلق اثر؟

نقد و نظریه ادبی و انتقادی، گفتمانی بینارشته‌ای است؛ یعنی حاصل علومی چون علم ادبیات، تاریخ، فلسفه، نظریه سیاسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، زبان‌شناسی، مکاتب ادبی و بوطیقای خاص شاعر و نویسنده است. شما چگونه می‌توانید رمان کوتاه گدا، نوشته نجیب محفوظ مصری، را -که ذهنیتی فلسفی دارد- بدون آگاهی از فلسفه و نقد فلسفی تفسیر کنید؟ اگر بخواهد نقدی سبک‌شناختی بنویسید، ضرورتا باید با زبان‌شناسی آشنایی اندکی داشته باشید. برای نوشتن نقد جامعه‌شناختی، نیاز به داشتن آگاهی از گفتمان قدرت دارید که مقوله‌ای جامعه‌شناختی است و باید به مقولاتی چون زیربنا، روبنا، ایدئولوژی و هژمونی بپردازید و طبقات اجتماعی، پایگاه طبقاتی و موضع طبقاتی نویسنده را بشناسید. طبیعی است که نگاه ما به فرآورده‌های ادبی، نگاهی بومی است اما مبانی نقد و نظریه ادبی، به قوت علمی خود باقی است.

بخشی از کار شما طی سال‌های اخیر به نقد و بازخوانی ادبیات داستانی اختصاص یافته است و داستان‌های نویسندگان مختلف ایرانی و خارجی را نقد کرده‌اید. ملاک انتخاب این نویسندگان چه بوده است و آیا رویکرد ثابتی را برای همه آن‌ها دنبال کرده‌اید؟

اگر کتابی در باره جمالزاده نوشته‌ام، به این دلیل بوده که او بنیانگذار یک نوع ادبی بوده که تا اندازه‌ای می‌شود گفت داستان کوتاه بوده است. اگر درباره آل احمد یا سیمین دانشور آثاری دارم، به خاطر اقبال عمومی و تأثیری بوده است که بر خوانندگان گذاشته‌اند. به این دلیل درباره احمد محمود کتاب دارم که او حوزه مخاطبان وسیعی در جامعه داشته، آرمانگرا بوده و به توده‌ها و زمینه‌هایی پرداخته که کمتر مورد توجه بوده است. نوشتنم درباره هزارویک‌شب به دلیل اهمیتی بوده که از نظر اسطوره‌ای و قصه‌پردازی داشته یا تأثیری که بر ادبیات جهان داشته است. اگر به رمان نو پرداخته‌ام، به خاطر این بوده که موج ایجاد کرده و بر ادبیات جهان تأثیرگذار بوده است. رویکردهایم در نقد و خوانش ادبی نیز متفاوت، متعدد و متکثر بوده است.

فقط داستان نانوشته بی‌نقص است

هست‌نما

صمد طاهری، در مطلبی که در فضای مجازی انتشار داده، ضمن ارج گذاشتن به بزرگان نسل‌های اول و دوم داستان‌نویسی ایران، لزوم نقدکردن آن‌ها را نیز یادآور شده است. این داستان‌نویس نوشته است: ما به نسل اول و دوم، نوستالژی داریم. دوستشان داریم و برایمان عزیزند، اما این موضوع نباید مانع از این شود که نقدشان کنیم و عیب و ایرادهایشان را گوشزد کنیم.

او در ادامه خواهان توجه کردن و اهمیت دادن به دیگر داستان‌نویسان شده است و حتی برخی آثار نویسندگان نسل‌های بعدی را در جایگاهی دست‌نیافتنی برای بزرگان یادشده قلمداد کرده است: کارهای بزرگی را که نسل‌های بعدی به وجود آورده‌اند، کم‌ارزش جلوه ندهیم. در سی‌چهل سال اخیر، داستان‌ها و رمان‌هایی نوشته و منتشر شده است که نسل اول و دوم نوشتنشان را در خواب هم نمی‌توانستند ببینند. کارهای بزرگی را که امثال محمدرضا صفدری و ابوتراب خسروی و... خلق کرده‌اند، ارج بگذاریم و قدر بدانیم.

طاهری با نکوهش بخل و تنگ نظری و خلط کردن دعواها و دلخوری‌های شخصی با نقد و نظر ادبی افزوده است: من در این ۲ سال اخیر، چهارده پانزده مجموعه داستان خوب خوانده‌ام. انصافا خوب و باارزش. نه بی‌عیب و ایراد. نه بی‌نقص و از آسمان افتاده. هرکاری که نوشته می‌شود، ایرادها و نقصان‌هایی دارد. فقط کارهای نانوشته بی‌عیب‌ونقص‌اند. اما کار خوب را نباید با تنگ‌نظری، نادیده گرفت. اگرچه که نادیده انگاشتن ما گذر است، همان طور که مثلا بوف کور هم در زمان خودش نادیده گرفته شد، اما بی‌سوادی‌ها و تنگ‌نظری‌ها که کنار رفت و در غبار زمان گم شد، مثل گوهری کمیاب شروع به درخشیدن کرد. امیدوارم در آینده نزدیک فرصتی دست دهد و درباره این چهارده پانزده مجموعه داستان خوب، بتوانم مطلبی بنویسم.

> **ابوالقاسم اسماعیل‌پور، استاد دانشگاه شهید بهشتی:**
> **شعر فارسی به دلیل منع موسیقی و نقاشی در بعضی ادوار، گاه به موسیقی تبدیل می‌شده و با تصویر پردازی‌های شگرف کار نقاشی را نیز انجام می‌داده است.**

مزایده عمومی واگذاری جهت بهره برداری از مرکز فرهنگی رفاهی ایثار
موسسه فرهنگی، ورزشی و توانبخشی ایثار خراسان رضوی
(برای مدت ۲ سال)
[illegible]
مدیریت موسسه فرهنگی، ورزشی و توانبخشی ایثار استان خراسان رضوی

نماشهر

محمدحسن صلواتی | شهرآرا

مهمانشهر

پس از موج مهاجرت افغانستانی‌ها در اواسط دهه ۶۰ در سال ۱۳۷۳ «مهمانشهر» در نزدیکی مرز ایران و افغانستان و در شهرستان تربت جام تاسیس شد. اولین خانه‌های مهاجران همان چادرهای هلال احمر بود تا اینکه در سال ۱۳۷۸ چهره مهمانشهر تغییر کرد.

«مهمانشهر تربت جام» اردوگاهی در نزدیکی این شهرستان است که بیش از ۴ هزار پناهنده افغانستانی در آن زندگی می‌کنند. مهمان‌شهر اردوگاهی کوچک است که دنیای خود را دارد، اردوگاهی که قرار نبود محل دائمی زندگی باشد، اما قرار مردم افغان با این شهر کوچک تغییر کرده است.

مردم مهمان‌شهر به خاطر دریافت یارانه ماهیانه از کمیساریای عالی پناهندگان در ایران و دریافت بسته‌های غذایی چندان دغدغه معاش ندارند. همین باعث شده است آن‌هایی که انگیزه کمتری برای موفقیت دارند سال‌های سال در مهمان‌شهر بمانند. باوجود این، خانواده‌های زیادی را در مهمان‌شهر می‌توان پیدا کرد که چند پسر یا دخترشان از اردوگاه رفته باشند و در سایر شهرهای ایران یا حتی کشورهای دیگر زندگی کنند.

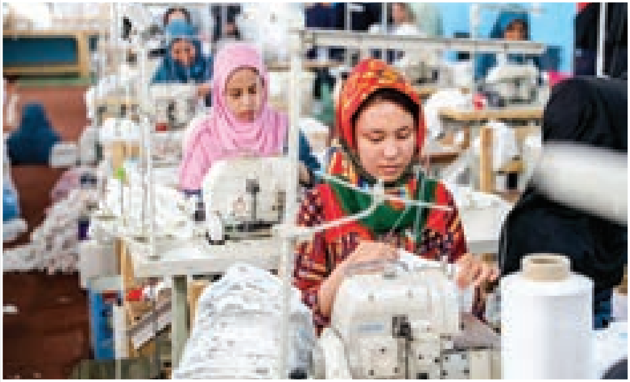

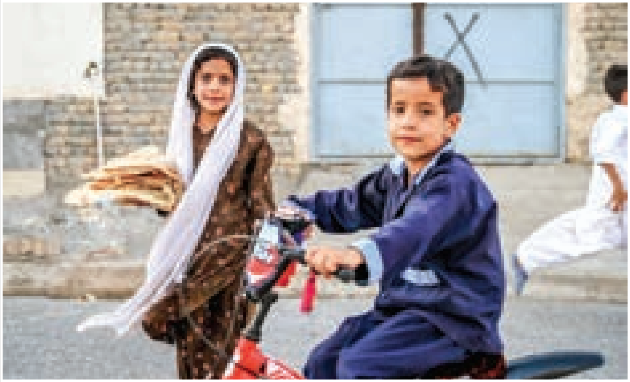

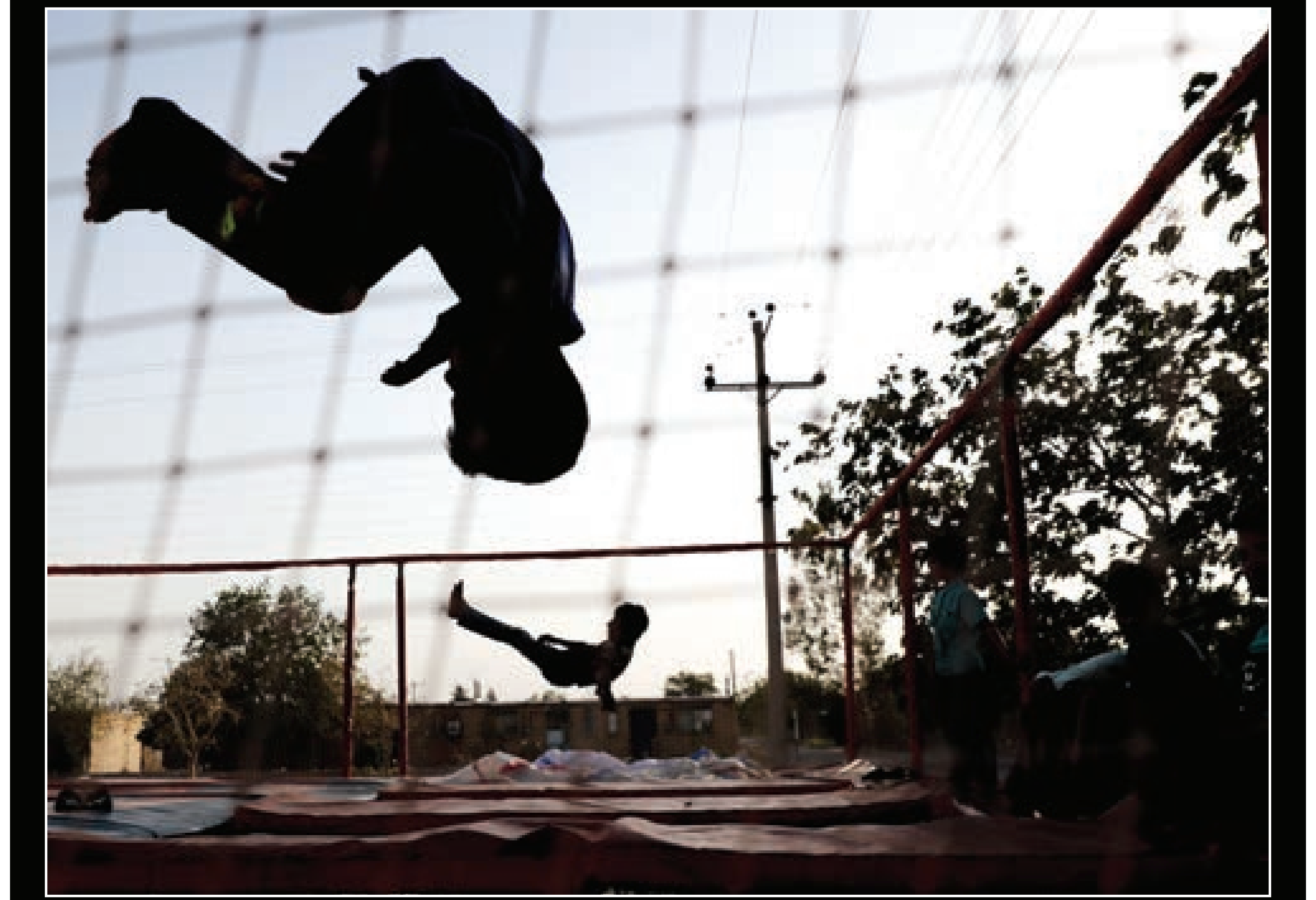

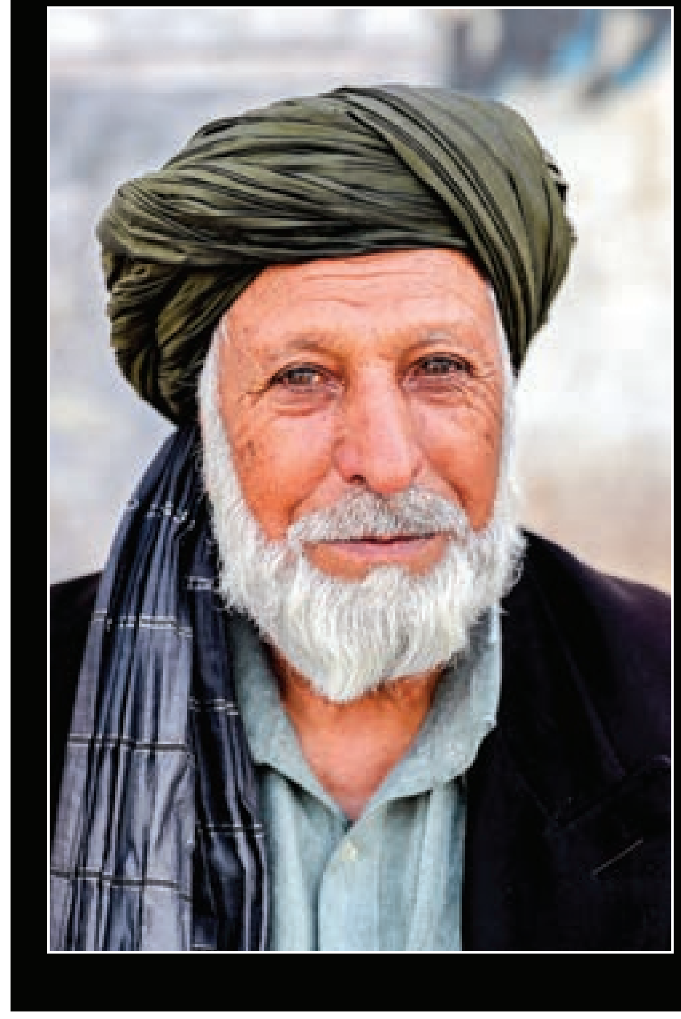

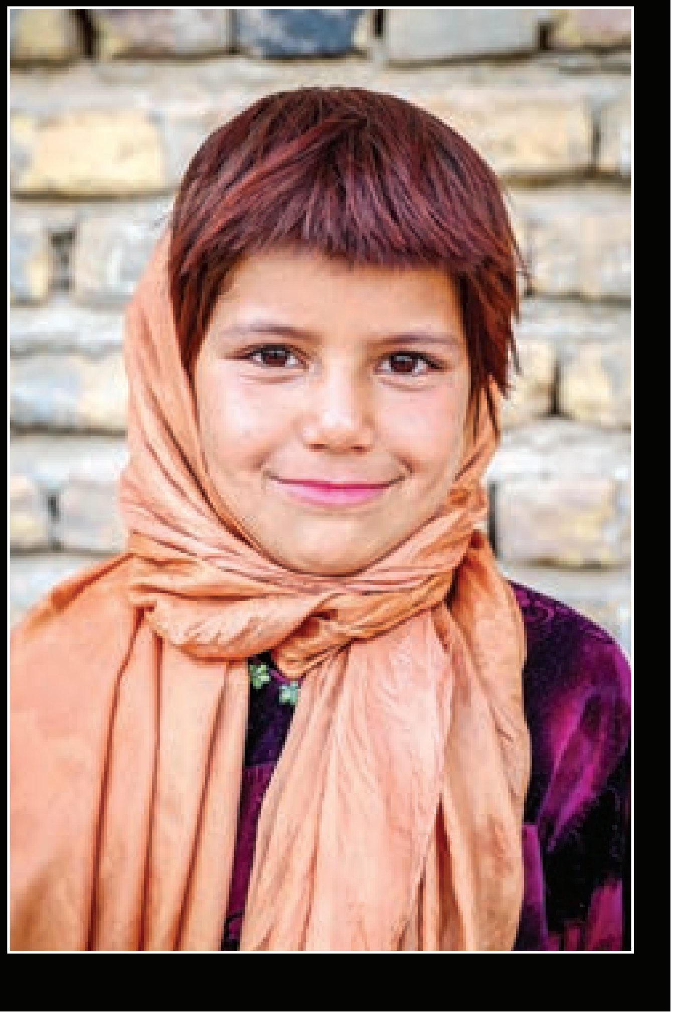

خطوط بی‌خاتمه

هنرمند صاحب‌سبک مشهدی از ویژگی‌های یک هنر نو می‌گوید

عکس: ساناز صفائی | شهرآرا

گفت‌وگو

ضحی زردکانلو| هنرمند بودن در یک سبک هنری و خط و جهت داشتن یا همان شناسنامه‌دار بودن اثر هنری، غایت و هدف هر هنرمند حرفه‌ای است که البته عملی شدنش برای او طاقت‌فرسا و نهایتا ارزشمند است. در این نوشتار با یکی از هنرمندان مشهدی آشنا می‌شوید که نه‌تنها سبک هنری خاص خود را دنبال می‌کند، بلکه توانسته است برای نخستین‌بار سبکی را با رنگ‌وبویی ایرانی به دنیای هنر مدرن معرفی کند. «مانیاد فروتن»، کارشناس‌ارشد انیمیشن از دانشگاه تربیت‌مدرس تهران و عضو انجمن فیلم‌سازان انیمیشن ایران و جهان است که با تسلط بر هنرهای گوناگون آثاری را با سبک دودل‌آرت (doodle Art) به مدد نقاشی، مجسمه‌سازی و هنر شهری خلق کرده است. زبان بصری هنر یادشده خطوط اتفاقی و انتزاعی است که در نگاه نخست، نامفهوم و بی‌هدف به‌نظر می‌رسند اما پس از تامل، مفاهیم ساده و جذابی را در دل خطوط پیچیده و متعدد می‌یابیم. این روزها آثار نقاشی و مجسمه این هنرمند سی‌وهفت‌ساله برای نخستین‌بار رونمایی شده و پس از تهران اکنون در سه نگارخانه مشهد به نمایش گذاشته می‌شود و هم‌اکنون نگارخانه ارغوان و سپس نگارخانه‌های بخارا و چارسوق هنر، میزبان آثار وی هستند. پس از مشهد این نمایشگاه در شهرهای اصفهان، شیراز، قزوین، رشت و تبریز و درمجموع در ۱۶نگارخانه کشور به نمایش گذاشته می‌شود. فروتن در گفت‌وگو با شهرآرا، درباره این هنر مدرن بیشتر توضیح می‌دهد.

هر سبک هنری مانیفست بلندبالایی دارد که به هنرمند پیرو آن سبک، خط می‌دهد، اگر بخواهید به‌اختصار پیام مانیفست سبک دودل‌آرت را برایمان بگویید، چه تعریفی از آن می‌دهید؟

این سبک را در سال ۱۹۸۱ کیت هرینگ آمریکایی معرفی کرد. ریشه دودل کردن به زبان انگلیسی از خط‌خطی کردن می‌آید و آن‌قدر در این خط‌خطی کردن، تکرار و تمرین وجود دارد که به یک مفهوم، فرم و مضمون می‌رسد. این سبک حتی در طراحی داخلی و... نیز استفاده شده و مانند هر سبک هنری در تمام رشته‌های هنری به‌کار گرفته می‌شود. در کار من نیز خط‌خطی‌هایی است که به‌صورت شخصیت‌های غیرواقعی، نمود پیدا می‌کند. هدف من از خلق این آثار، ساخت دنیایی جدید با آدم‌های خوب و مهربان است تا بتوانم آن را مدینه فاضله بنامم. نام سبک من، کاراکتر دودل‌آرت است و من شخصیت‌هایی را خلق می‌کنم که پیش‌تر وجود نداشته‌اند.

آیا شما نخستین کسی هستید که در سبک کاراکتر دودل‌آرت فعالیت می‌کنید؟

بله، من در ایران نخستین کسی هستم که به‌صورت حرفه‌ای با این سبک کار می‌کنم. ایده و آرزوی هنری من نیز این بود که روزی کمپانی انیمیشن داشته باشم که در دنیا شناخته‌شده باشد؛ مانند والت‌دیزنی که تمام شخصیت‌های انیمیشنش شناخته شده‌اند، بنابراین از دو سال پیش، شخصیت‌هایی را که برای معرفی در انیمیشن‌هایم در ذهن داشتم، با سبک دودل‌آرت روی کاغذ اجرا کردم تا آن‌ها را به مخاطبانم بشناسانم و کم‌کم تمام آثاری که خلق کردم، درقالب این سبک شکل گرفت.

سرعت در این هنر نقش مهمی دارد و به‌نظر می‌رسد آثاری که خلق می‌شوند، برای اجرا به زمان زیادی احتیاج ندارند. آیا دلیل استفاده از ابزار ماژیک برای طراحی به همین موضوع مرتبط است؟

بله، دقیقا همین گونه است که می‌گویید. سرعت، عنصر مهمی در این هنر است. من بیشتر از ماژیک استفاده می‌کنم؛ چون با ماژیک راحت‌تر می‌شود خط کشید و به‌اصطلاح دودل کرد. استفاده از هر ابزار دیگری جز ماژیک، زمان‌بر است. هر تابلو شاید بیش از هزار خط داشته باشد و تنها با ماژیک، کار سرعت پیدا می‌کند. هنرمند دودل آرت باید آن‌قدر کار کرده باشد که بتواند ایده‌هایش را به‌سرعت روی کاغذ اجرا کند.

آثار شما به‌گونه‌ای است که سلیقه همه سنین را دربر می‌گیرد و آن‌گونه که من دیده‌ام، از کودک چهارساله تا فردی میان‌سال می‌تواند با این هنر ارتباط برقرار کند. چه چیزی در هنر شما چنین ظرفیتی را برایش ایجاد می‌کند؟

خط‌خطی وقتی فرم قشنگی پیدا می‌کند که در دلش، مفهوم و پیام داشته باشد. همان‌طور که گفتید، از کودک تا کهنسال می‌توانند مخاطب آثار من باشند و هریک مفهوم متفاوتی را درک کنند و برداشت خودشان را داشته باشند؛ چون خاصیت این خطوط است که ذهن مخاطب را به خلاقیت وادارد و هرکسی از زاویه دید خود، بتواند پیامی را از این آثار دریافت کند.

در میان تابلوهایتان اثر بازآفرینی نیز به‌چشم می‌خورد؛ مانند اثری که از روی تابلوی آفرینش میکلانژ بازآفرینی کرده‌اید، آیا اثر مشهور دیگری نیز دارید که در این سبک بازآفرینی شده باشد؟

بله، همین‌طور است. برخی کارهایم بازآفرینی در سبک دودل آرت و با نگاه هنری خودم است. اکنون قصد دارم شاهنامه را در این سبک بازآفرینی کنم و از روی آثار نقاشی‌شده یا براساس شعر، تصویر ذهنی خودم را از شاهنامه بسازم.

چرا باوجودی‌که این هنر مدرن و به‌اصطلاح غربی است، شما تلاش می‌کنید حال‌وهوای ایرانی به کارهایتان بدهید؟

من سعی می‌کنم از این هنر یک برند ایرانی بسازم. همه شخصیت‌هایی که خلق می‌کنم، ایرانی و برخاسته از یک ذهن ایرانی است. از همه دوره‌های تاریخ ایران تنها هنرش به یادگار مانده است. خیلی خوب است که در هر دوره به هنرمندانش بها داده شود تا برای آیندگان به‌یادگار بماند. من حتی اثری با مفهوم عاشورا داشته‌ام که در خانه هنرمندان تهران به نمایش گذاشته شد. برای هنر محدودیتی وجود ندارد. من یک ایرانی هستم و آثارم متعلق به یک ذهن ایرانی است و در هر فضایی با فرهنگ ایرانی می‌گنجد.

شما سابقه همکاری با شهرداری تهران را هم به‌عنوان هنرمند نقاشی‌دیواری دارید. همکاری‌تان با مشهد چگونه است؟

بله، امسال برای تهران یک کار نقاشی‌دیواری در خیابان ولی‌عصر به سفارش زیباسازی تهران انجام دادم و خیلی دوست دارم برای مشهد هم کاری انجام دهم که پویا باشد. سال ۹۲ در مشهد مجسمه مادر و دختر با نام آرزو را کار کردم اما در دوره جدید مدیریت شهری هنوز با شهرداری مشهد همکاری نکردم که امیدوارم فرصتش برایم فراهم شود. چون می‌دانم که رویکردشان خوب است. متاسفانه در مدیریت‌های قبل استفاده درستی از هنرمندان نشد. من ترجیح می‌دهم برای شهرداری شهرم با قیمت مناسب و کیفیت خوب کار کنم به‌جای اینکه برای شهرهای دیگر کار کنم.

آن‌طور که در صفحه اینستاگرامتان پیداست گویا سفارش کار از خارج از کشور هم بسیار داشته‌اید؟

بله. سفارش کار از خارج از کشور بسیار دارم و درحال‌حاضر یک گالری در لندن آثار من را با قیمت بسیار خوب می‌فروشد. بازخوردهای خارجی که از کارهایم گرفته‌ام، خیلی عالی است و آن‌قدر که از خارج از کشور بازخورد خوب گرفته‌ام، از ایران نگرفته‌ام اما من می‌خواهم در اقلیم خودم بمانم. مدتی هم در ترکیه بودم اما هنر من برخاسته از همین شهر است و تلاش می‌کنم با سختی‌ها کنار بیایم. بیشتر دوستان هنرمند من از ایران رفته‌اند، اما من مانده‌ام و امیدوارم که در ایران اتفاق خوبی برای هنر و هنرمند بیفتد.

> **رضا فیاضی، بازیگر سینما، تلویزیون و تئاتر:**
> **تئاتر به‌طور کامل گیشه‌زده شده است و دلیل این موضوع، حمایت نکردن دولت از این هنر است. مسئولان فرهنگی تئاتر را رها کرده‌اند، درصورتی‌که اگر آن‌ها از هنرمندان و آثارشان حمایت می‌کردند، هیچ‌گاه جایگاه تئاتر تا این حد نزول نمی‌کرد.**

در مراسم افتتاح سایت برنامه اینترنتی «آوانسن» مطرح شد

حمایت مدیریت شهری از تئاتر

روی خط تئاتر

سایت «آوانسن» در شنبه‌شب این برنامه اینترنتی با حضور رئیس کمیسیون فرهنگی واجتماعی شورای اسلامی شهر، مدیرعامل موسسه فرهنگی شهرآرا و جمعی از مسئولان ارشاد و هنرمندان افتتاح شد. به گزارش شهرآرا، در ابتدای این مراسم احسان اصولی پس از ثبت اولین خبر رسمی و افتتاح سایت، به مهم‌ترین دغدغه‌های اهالی تئاتر مشهد پاسخ داد.

قطعی شدن محل احداث مجتمع تئاتر

رئیس کمیسیون فرهنگی‌واجتماعی شورا درباره مراحل احداث مجموعه تئاتر مشهد که پیش از آن وعده‌اش را به اهالی تئاتر داده بود، گفت: این موضوع قرار بود با مشارکت بخش خصوصی به انجام برسد و سرمایه‌گذاری نیز جذب این پروژه شد اما بعد از چندین جلسه به‌خاطر نوسانات اقتصادی پیش‌آمده، مشکلاتی در محاسبات پیش آمد و این مشارکت به سرانجام نرسید.

اصولی افزود: ازآنجاکه این پروژه به‌عنوان یکی از نیازهای مهم شهر، مطرح شده و به تصویب شورا هم رسیده است، تصمیم گرفتیم منتظر پیدا شدن سرمایه‌گذار نمانیم، از این‌رو از اول مهر سال جاری فراخوانی برای جذب مشاوران منتشر کردیم. هم‌زمان از چند موقعیت مکانی پیشنهادشده بازدید کردیم و سرانجام به محلی در امامت ۴۹ رسیدیم که شهرداری آنجا اراضی خوبی دراختیار دارد. به گفته اصولی، این محل برای احداث مجموعه تئاتر، قطعی شده است و اکنون در مرحله انتخاب مشاور برای نوشتن طرح قرار دارد.این مقام مسئول اظهار امیدواری کرد پیش از پایان یافتن سال، کلنگ این پروژه بر زمین زده شود. اصولی در ادامه و در پاسخ به یکی دیگر از دغدغه‌های اهالی تئاتر، به مسئله بیلبوردها و فضای تبلیغاتی شهر اشاره کرد و گفت: هر روز رویدادهای مختلف ورزشی، فرهنگی، هنری و... در شهر اتفاق می‌افتد که متولیان هرکدام، تقاضاهای بسیاری برای تبلیغات دارند. ازطرفی بضاعت ما برای پاسخ دادن به همه این‌ها محدود است و چاره‌ای نیست جز اینکه با مدیریت، پاسخ‌گوی همه تقاضاها باشیم اما تلاش می‌کنیم یک بیلبورد اختصاصی برای تبلیغات تئاتر اختصاص دهیم تا مردم هر روز از برنامه‌های تئاتر باخبر شوند.

حمایت شهرآرا از تئاتر

در ادامه این مراسم مجید خرمی، مدیرعامل موسسه فرهنگی شهرآرا، به شفاف‌سازی برخی حرف‌وحدیث‌ها در زمینه امکانات تبلیغاتی‌اش پرداخت و گفت: اکنون ۵۳بیلبورد در اختیار موسسه شهرآرا قرار دارد که آن‌ها را بعد از پنج‌بار شرکت کردن در مزایده، دراختیار گرفته است و هر ماه بابت همه آن‌ها به سازمان میادین پول پرداخت می‌کند. خرمی همچنین درباره سایت مشهدگیشه یادآوری کرد: هر تئاتر که در سایت مشهدگیشه فروش بلیت داشته باشد، براساس تعهد ما تاکنون حمایت شده است و بیلبورد هم دراختیارش قرار می‌گیرد، ضمن اینکه در حمایت از تئاترهای کار اولی، درصد فروش را دریافت نمی‌کنیم. در سایت اینترنتی آوانسن، پخش زنده همه برنامه‌ها، ویدیوها، عکس‌ها و رویدادهای تئاتر، نقد و بررسی نمایش‌های روی صحنه و... مشهد دراختیار مخاطبان قرار می‌گیرد.

گفت‌وگو با زبان عکاسی

اولین جشنواره عکس بوستان ملت برگزیدگان خود را شناخت

از نگاه دوربین

افخمی| اختتامیه اولین جشنواره عکس «بوستان ملت» شنبه‌شب با حضور رضا دانایی، مدیر اجتماعی و امور مناطق معاونت فرهنگی اجتماعی شهرداری، نسرین شاه‌محمدی، رئیس انجمن سینمای جوان، عباس سیامکی، مدیر بوستان ملت و جمعی از هنرمندان و عکاسان در سالن اجتماعات مجتمع فرهنگی امام‌رضا(ع) برگزار شد. این جشنواره که شامل ۵۴عکس از ۳۵عکاس بود، روز گذشته با شناخت برگزیدگان خود به کارش در بوستان ملت پایان داد. رضا دانایی، مدیر اجتماعی و امور مناطق معاونت فرهنگی‌اجتماعی شهرداری، ضمن تشکر از برگزارکنندگان این جشنواره و هنرمندان شرکت‌کننده، بر ضرورت فعالیت‌های فرهنگی در بوستان‌ها تاکید کرد و گفت: بوستان‌های بزرگ باید به محیط‌های اجتماع‌محور تبدیل شوند تا مردم در آن‌ها با یکدیگر تعامل داشته باشند. وی با اشاره به طرح راه‌اندازی خانه گفت‌وگو در جلسه شورای شهر، ادامه داد: جامعه امروز ما به راه‌اندازی خانه‌ای برای گفت‌وگو نیاز دارد همچنین ابزارهای بسیار زیادی می‌توانند فضای گفت‌وگو را فراهم کنند. در این بین هنر عکاسی یکی از راه‌های گفت‌وگوست.

در ادامه عباس سیامکی، مدیر بوستان ملت، دلیل برگزاری این رویداد فرهنگی در پارک را این‌گونه بیان کرد: تمام فعالیت‌های ما در بوستان ملت، حول شعار «بوستان ملت؛ پیوندگاه محیط‌زیست، فرهنگ و سلامت» می‌چرخد، بنابراین علاوه‌بر تلاش برای حفظ محیط‌زیست، پرداختن به فضاهای فرهنگی و سلامت را در دستورکار خود قرار داده‌ایم. در پایان این مراسم نیز با حضور رضا دانایی، عباس سیامکی و نسرین شاه‌محمدی، از برگزیدگان این دوره از جشنواره عکس بوستان ملت تقدیر شد. به این ترتیب براساس رای هیئت داوران، علی بهمنی نفر سوم، ابوذر بهراد نفر دوم و آرزو میرزادوستی نفر اول این جشنواره معرفی شدند. همچنین در این مراسم از آثار آروین فتحی، محمد موسوی و الهام صادقی تقدیر شد و در بخش آرای مردم، علی بیهقی، خسرو صفری و بهاره انصاری به‌ترتیب رتبه‌های اول تا سوم را به خود اختصاص دادند.

«لاک» ایرانی

جلسه نقد و بررسی فیلم «ترومای سرخ» با حضور کارگردان اثر در مشهد برگزار شد

هنر و تجربه

جلسه نقد و بررسی مستند «ترومای سرخ» عصر شنبه ۲۸مهر با حضور اسماعیل میهن‌دوست، کارگردان و یگانه رجبی، بازیگر، در سالن شماره ۷ سینماهویزه مشهد برگزار شد. این اثر، یک فیلم شهری می‌باشد که در آن نگار (پریوش نظریه)، شخصیت اصلی قصه، با اتومبیل خود درحال کارهای روزمره در بستر شهر است که قصه او در روز سالگرد آشنایی با ایرج(رضا کیانیان) تعریف می‌شود.

میهن‌دوست ابتدای این جلسه درباره ایده اولیه فیلم توضیحاتی داد و گفت: در یکی از جلسات تحلیل، فیلم «لاک» به‌کارگردانی «استیون نایت» را نمایش دادیم. قهرمان اصلی این فیلم از ابتدا تا آخر داخل ماشین است و طی رانندگی در جاده‌ای در شب، مدام با موبایل خود با اشخاص مختلف صحبت می‌کند. در پایان جلسه تحلیل فیلم، این سوال مطرح شد که اگر قرار شود نسخه ایرانی این فیلم ساخته شود، فیلم‌نامه آن چه تغییراتی متناسب با شرایط ایران و مسائل فرهنگی خواهد کرد. همین موضوع ترغیبم کرد که روی این موقعیت برای یک فیلم‌نامه کار کنم.

میهن‌دوست سپس در پاسخ به این سؤال که به نظر می‌رسد در برخی صحنه‌ها کاراکترها بیشتر از مخاطب اطلاعات دارند و این قضیه در بازی آن‌ها نمود پیدا کرده است، گفت: «نقطه‌دید روایت در این فیلم، اول‌شخص است ولی گاه درحد چند ثانیه ما زودتر یا دیرتر از شخصیت به او می‌پیوندیم.» کارگردان فیلم «برخورد نزدیک» در بخشی دیگر از سخنانش به تاثیر ممیزی‌ها بر روی کار اشاره و یادآوری کرد: «بدون شک ممیزی، فیلم‌ساز را بیچاره می‌کند ولی هر هنرمندی در مواجهه با ممیزی، واکنش متفاوتی دارد. من به‌جای قهر کردن سعی کردم با پاره‌ای تغییرات کار را به شکلی دیگر ادامه دهم».